

تاریخ پوشیده آیه چهل — شماره پانزده

وای دوم — بخش دوم

Jeff Pippenger

2026-06-11

خواهر وایت چندین بار بیان می‌دارد که آن بخش از اشعیا که عیسی در کنیسه ناصره خواند، نه تنها کار او را اعلام می‌کرد، بلکه نمونه‌ای از کار ما نیز بود. تحقق کامل آن کار مسح‌شده به وسیله کسانی انجام می‌شود که علم یکصد و چهل و چهار هزار را تشکیل می‌دهند.

روح خداوند یهوه بر من است، زیرا یهوه مرا مسح کرده است تا به حلیمان بشارت دهم؛ او مرا فرستاده است تا شکسته‌دلان را التیام بخشم، و آزادی را به اسیران اعلام کنم، و گشایش زندان را به بندیان؛ تا سال پسندیده یهوه و روز انتقام خدای ما را اعلام نمایم؛ تا همه ماتمیان را تسلی دهم؛ تا برای ماتمیان صهیون مقرر سازم که به ایشان به جای خاکستر، جمال بخشم، و به جای ماتم، روغن شادی، و به جای روح پژمردگی، ردای ستایش؛ تا ایشان درختان عدالت نامیده شوند، غرس یهوه، تا او جلال یابد. و ایشان ویرانه‌های کهن را بنا خواهند کرد، خرابی‌های پیشین را برپا خواهند نمود، و شهرهای ویران را که نسل‌های بسیار خراب بوده‌اند، مرمت خواهند کرد. و بیگانگان خواهند ایستاد و گله‌های شما را خواهند چرانید، و پسران اجنبی زارعان و باغبانان تاکستان‌های شما خواهند بود. اما شما کاهنان یهوه نامیده خواهید شد؛ مردم شما را خادمان خدای ما خواهند خواند؛ ثروت امت‌ها را خواهید خورد، و به جلال ایشان فخر خواهید نمود. به جای ننگ شما، نصیب مضاعف خواهد بود؛ و به جای رسوایی، در حصه خویش شادمان خواهند شد؛ از این‌رو در سرزمین خود، مضاعف را به ملکیت خواهند گرفت؛ شادی جاودانی از آن ایشان خواهد بود. اشعیا ۶۱:۱-۷.

در مقاله پیشین آغاز کردیم تا «ساعت، ماه، روز و سال» را که نبوت زمانی سیصد و نود و یک سال و پانزده روز را تشکیل می‌داد، شناسایی کنیم. دیگر زمانی در کار نیست؛ از این‌رو این چهار تعبیر زمان باید در ایام آخر به گونه‌ای نمادین به کار برده شوند، هنگامی که ویژگی‌های نبوی مصیبت اول و دوم در مصیبت سوم تکرار می‌شوند. «سال» همان «سال مقبول خداوند» است، و نیز «روز انتقام خدای ما» می‌باشد.

«روز» همان «روز بلا» است؛ روز مکافات و انتقام، چنان‌که موسی آن را بیان کرده است.

انتقام و جزا از آن من است؛ پای ایشان در وقت معین خواهد لغزید؛ زیرا روز هلاکت ایشان نزدیک است، و آنچه بر ایشان خواهد آمد، شتاب می‌کند. تثنیه ۳۵:۳۲.

در اشعیا، سخن از «سال مقبول» و «روز انتقام» است، و روز انتقام همان «روز بلا»ی موسی است که در آن پای لائودیکیه می‌لغزد، آنگاه که مکافات و انتقام را دریافت می‌کنند. ساعت زلزله عظیم، روز بلا، سال مقبول، و ماه اول، همگی با قانون یکشنبه منطبق‌اند. واژه «ماه» در یوئیل واژه‌ای افزوده است، اما این واژه افزوده درست است. مترجمان واژه «ماه» را در توافق با این حقیقت افزودند که باران آخر در ماه اول نازل شد.

پس ای فرزندان صهیون، شادمان باشید و در یهوه خدای خود وجد نمایید؛ زیرا او باران نخستین را به اندازه به شما عطا کرده است، و برای شما باران را نازل خواهد کرد، یعنی باران نخستین و باران آخر را در ماه اول. یوئیل ۲:۲۳.

واژه «ماه» تفسیری است، نه بخشی از متن اصلی الهام شده. در عبری، به سادگی گفته شده است که باران‌ها «در نخست» یا «چنان‌که در آغاز بود» خواهند آمد—یعنی خدا باران‌ها را در موسم درست خود، درست همانند روزگاران پیشین، باز خواهد گردانید. خواهر وایت بارها نهضت میلری از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ را با پنتیکاست همسو می‌سازد تا باران آخر را در ایام آخر توصیف کند. باران آخر «چنان‌که در آغاز بود» می‌آید، و آن آغاز پنتیکاست بود، که خواهر وایت نیز بارها آن را با قانون یکشنبه همسو می‌سازد.

«فرشته‌ای که در اعلام پیام فرشته سوم با او متحد می‌شود، باید تمامی زمین را به جلال خویش روشن سازد. در اینجا از کاری با گستره‌ای جهانی و قدرتی بی‌سابقه پیشگویی شده است. جنبش ظهور در سال‌های 1840-44 تجلی باشکوهی از قدرت خدا بود؛ پیام فرشته اول به هر ایستگاه بشارتی در جهان رسانده شد، و در برخی کشورها بزرگ‌ترین علاقه دینی پدید آمد که از زمان اصلاحات قرن شانزدهم در هیچ سرزمینی دیده نشده بود؛ اما اینها نیز به وسیله جنبش نیرومند زیر آخرین هشداری فرشته سوم، پشت سر گذاشته خواهند شد.»

«این کار مشابه کار روز پنتیکاست خواهد بود. همان‌گونه که «باران اول» در ریزش روح القدس در آغاز بشارت انجیل عطا شد تا موجب روییدن آن بذر گران‌بها گردد، به همان‌سان «باران آخر» در پایان آن برای رسیدن محصول عطا خواهد شد. «پس اگر در پی معرفت خداوند باشیم، آنگاه خواهیم دانست: طلوع او همچون صبح مهیاست؛ و او برای ما مانند باران خواهد آمد، مانند باران آخر و اول بر زمین.» هوشی 3:6. «پس ای فرزندان صهیون، شادمان باشید و در یهوه خدای خود وجد نمایید، زیرا او باران اول را به اندازه به شما داده است، و برای شما باران را فرو خواهد فرستاد، یعنی باران اول و باران آخر را.» یوئیل 2:23. «در ایام آخر، خدا می‌گوید، از روح خود بر همه بشر خواهم ریخت.» «و چنین خواهد شد که هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت.» اعمال 2:17، 21.»

«کار عظیم انجیل قرار نیست با ظهوری کمتر از قدرت خدا نسبت به آنچه آغاز آن را مشخص ساخت، به پایان رسد. نبوت‌هایی که در فروباریدن باران اول در آغاز انجیل تحقق یافتند، بار دیگر در باران آخر، در پایان آن، تحقق خواهند یافت. اینک آن «اوقات تازگی» است که رسول پطرس بدان چشم دوخته بود، آن‌گاه که گفت: «پس توبه کنید و بازگشت نمایید تا گناهان شما محو گردد، وقتی که اوقات تازگی از حضور خداوند فرا رسد؛ و او عیسی را خواهد فرستاد.» اعمال 3:19، 20. «جدال عظیم، 611.»

پنتیکاست «گشایش» یا «آغاز» کار انجیل بود، و باران اخیر در «پایان»، «انجام» آن است. نخستین، نمایانگر آخرین است. ماه نخست، ریزش روح القدس را در زمان قانون یکشنبه مشخص می‌سازد.

de nosotros recibirá jamás el sello de Dios mientras nuestros caracteres Pentecostés tengan sobre sí una sola mancha o defecto. Nos corresponde a nosotros remediar los defectos de nuestro carácter, limpiar el templo del alma de toda contaminación. Entonces la lluvia tardía caerá sobre nosotros, así como la lluvia temprana cayó sobre «... los discípulos en el día de Pentecostés»

«ای برادران، در کار عظیم آماده‌سازی چه می‌کنید؟ آنان که با جهان متحد می‌شوند، قالب جهانی را می‌پذیرند و برای نشان وحش آماده می‌گردند. اما آنان که به خویشتن اعتماد ندارند، که در حضور خدا خود را فروتن می‌سازند و جان‌های خویش را با اطاعت از حقیقت پاک می‌کنند، اینان قالب آسمانی را دریافت می‌دارند و برای مهر خدا بر پیشانی‌های خود آماده می‌شوند. هنگامی که فرمان صادر شود و آن نشان نهاده گردد، سیرت ایشان تا ابد پاک و بی‌لکه باقی خواهد ماند.» شهادت‌ها، جلد ۵، ۲۱۴، ۲۱۶.

और प्रतफिल, वपित्ति, है व्यवस्था-रविवार" घंटा "का भूकम्प महान, है व्यवस्था-रविवार" महीना "प्रथम की हाय प्रथम है। व्यवस्था-रविवार" वर्ष "स्वीकार्य और, है व्यवस्था-रविवार" दनि "का प्रतशिोध पंद्रह और वर्ष इक्यानवे सौ तीन जहाँ, है होते समाप्त पर व्यवस्था-रविवार वर्ष पचास सौ एक के भवषियवाणी है। होते आरम्भ दनि

به فرشته ششم که شیپور را داشت گفت: «آن چهار فرشته را که نزد نهر عظیم فرات بسته شده‌اند، آزاد کن.» و آن چهار فرشته آزاد شدند؛ همانان که برای ساعت و روز و ماه و سال مهیا شده بودند تا ثلث مردمان را بکشند. مکاشفه ۱۴:۹، ۱۵

آن «چهار فرشته» که «بر نهر عظیم فرات بسته شده بودند» در ساعت قانون یکشنبه «رها می‌شوند». ایشان به‌گونه‌ای نبوی برای ساعت و روز و ماه و سال وای دوم «مهیا» شده‌اند تا ثلث مردمان را بکشند. ایالات متحده در قانون یکشنبه، به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس، کشته می‌شود، و ایالات متحده یک‌سوم آن اتحاد سه‌گانه‌ای است که در قانون یکشنبه برقرار می‌گردد. وای دوم در وای سوم تکرار می‌شود، همان‌گونه که فرشته دوم در فرشته سوم تکرار می‌شود.

آن چار باد در ۱۱ سپتامبر رها شدند و آغاز مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار را نشان دادند، و بلافاصله پس از آن مهار گردیدند. هنگامی که آنان که در اشعیا شصت و یک نمایان شده‌اند و ماتم می‌کنند، تسلی می‌یابند، این تسلی را با ریزش کامل تسلی‌دهنده در هنگام قانون یکشنبه دریافت می‌کنند، که همان «ساعت» زلزله عظیم نیز هست. آنان که در سال مقبول ماتم می‌کنند، همان کسانی هستند که در حزقیال نه ماتم می‌کنند و مهر خدا را دریافت می‌نمایند. عیسی خدمت خود را با استناد به اشعیا شصت و یک آغاز کرد، و خواهر وایت اعلام او را با کار ما همسو می‌سازد.

«مسیح رسالت خود را به جهان اعلام کرد، آنگاه که در کنیسه ناصره از نبوت اشعیا قرائت نمود: "روح خداوند بر من است، زیرا مرا مسح کرده است تا به فقیران انجیل را بشارت دهم؛ مرا فرستاده است تا شکسته‌دلان را شفا بخشم، و رهایی را به اسیران موعظه کنم، و بینایی را به نابینایان باز دهم، و کوفتگان را آزاد سازم، و سال مقبول خداوند را موعظه کنم." چه کاری در برابر او بود!—تا سال مقبول خداوند را موعظه کند. این دوره، عصر پس از عصر را در بر می‌گیرد، از قرنی به قرنی دیگر امتداد می‌یابد، تا هنگامی که زمان آزمایش باقی است. خداوند منتظر است تا درخواست و در زدن را بشنود؛ می‌نگرد تا ببیند انسان به او، که تنها یاری‌دهنده ماست، نزدیک می‌شود. او مشتاق است که گناهان ایشان را بیامرزد و آنان را از آن خود بپذیرد. او هر جان توبه‌کار را که نزد او آید خواهد پذیرفت؛ زیرا خدا پسر یگانه خود را برای انجام همین کار مسح کرد.»

«اما چرا مسیح آن سخنی را که در اشعیا ثبت شده است به پایان نبرد؟ چرا عبارت «و روز انتقام خدای ما» را حذف کرد؟ بخش اخیر این جمله نیز به همان اندازه که بخش نخست آن حقیقت بود، حقیقت داشت؛ و مسیح با سکوت خود، با فرو گذاشتن بخشی از سخنان خود که به نبی برگزیده‌اش داده بود، حقیقت را انکار نکرد. اما این عبارت آخر همان بخشی بود که شنوندگان او از درنگ کردن بر آن لذت می‌بردند و مایل بودند آن را به کار بندند، و بر همه کسانی که از ایمان دینی ایشان نبودند حکم داوری جاری سازند. آنان به جای آنکه به مردم کلمات حقیقت و عدالت و آمرزش بدهند، به ایشان تعلیم داده بودند که خدا از تمام جهان امت‌ها نفرت دارد. سرشت پدرانه خدا به نادرستی بازنمایانده شده بود و در زیر سنت‌های بشری مدفون گشته بود. Signs of the

Times, January 14, 1897

«ماموریت قوم خدا در این عصر در کلمات الهامی‌ای ترسیم شده است که کار مسیح را وصف می‌کند: "روح خداوند یهوه بر من است، زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا به حلیمان بشارت دهم؛ مرا فرستاده است تا شکسته‌دلان را التیام بخشم، و آزادی را برای اسیران و گشایش زندان را

برای مقیدان اعلام کنم؛ تا سال مقبول خداوند و روز انتقام خدای ما را اعلام نمایم؛ تا جمیع ماتمیان را تسلی دهم، و برای ماتمیان صهیون مقرر دارم که به ایشان جمالی به عوض خاکستر، روغن شادی به عوض ماتم، و ردای حمد به عوض روح ملالت عطا شود؛ تا ایشان درختان عدالت، غرس خداوند، نامیده شوند، تا او جلال یابد.»

«و ایشان خرابه‌های دیرین را بنا خواهند کرد، و ویرانی‌های نخستین را برپا خواهند ساخت، و شهرهای ویران، یعنی ویرانی‌های نسل‌های بسیار را مرمت خواهند نمود.» Lake Union Herald، 11 نوامبر 1908.

پیش از آنکه به تکرار وای دوم در وای سوم بیشتر پردازیم، باید به خود یادآور شویم که این پیام باید با آوردن «حکم بر حکم» فهمیده شود. این امر نشان می‌دهد که هر «ساعت»، «روز»، «ماه» و «سال» در کلام الهام‌شده که با زمینه قانون یکشنبه انطباق دارد، باید همچنین بر آمادگی اسلام برای ضربه زدن به قانون یکشنبه نیز اعمال شود.

به عنوان نمونه: واژه «ساعت» فقط در یک کتاب از عهد عتیق یافت می‌شود، و آن کتاب، کتاب دانیال است. در دانیال، «ساعت» پنج بار ذکر شده است.

و هر که فرو نیفتد و پرستش نکند، در همان ساعت به میان کوره‌ای از آتش سوزان افکنده خواهد شد. ... اکنون اگر آماده‌اید که هرگاه آواز کرنا و نای و بربط و شبوک و سنتور و نی و هر گونه موسیقی را بشنوید، فرو افتید و تمثال را که ساخته‌ام پرستش کنید، نیکوست؛ اما اگر پرستش نکنید، در همان ساعت به میان کوره‌ای از آتش سوزان افکنده خواهید شد؛ و آن خدا کدام است که شما را از دست من رهایی بخشد؟ دانیال 3:6، 15.

خواهر وایت بارها دانیال باب سه، و بنابراین «در همان ساعت» را، بر قانون یکشنبه تطبیق می‌کند. در دانیال باب چهار، دانیال به مدت «یک ساعت» متحیر می‌ماند، زیرا در تلاش است دآوری در شرف وقوع بر نبوکدنصر را توضیح دهد.

پس دانیال، که نامش بلطشصر بود، به مدت یک ساعت مبهوت ماند و افکارش او را مضطرب ساخت. پادشاه سخن گفت و گفت: «ای بلطشصر، خواب و تعبیر آن تو را مضطرب نسازد.» بلطشصر پاسخ داد و گفت: «ای سرورم، این خواب نصیب آنان باد که از تو نفرت دارند، و تعبیرش از آن دشمنانت.» دانیال 4:19.

دانیال برای «یک ساعت» مبهوت می‌ماند، آنگاه که می‌کوشد دریابد چگونه نبوکدنصر را از دآوری آینده‌اش آگاه سازد. دانیال نماینده پیام‌آور فرشته اول است که اعلام می‌کند «ساعت» دآوری فرا رسیده است. پیشگویی او به نبوکدنصر داده می‌شود، و یک سال بعد دآوری وارد بر بابل بر نبوکدنصر واقع می‌گردد.

در همان ساعت آن امر بر نبوکدنصر واقع شد؛ و او از میان مردمان رانده شد، و چون گاوان علف می‌خورد، و بدنش از شبنم آسمان تر می‌شد، تا آنکه موهایش همچون پرهای عقابان بلند گردید، و ناخن‌هایش مانند چنگال‌های پرندگان شد. دانیال 4:33.

دانیال در حال پیشگویی قانون یکشنبه‌ای به زودی فرارسنده است، و هنگامی که آن فرا رسد، آن «ساعت» دآوری بر بابل است. هر دو «ساعت» به قانون یکشنبه‌ای اشاره دارند، که همان ساعت زلزله عظیم است. نبوکدنصر آلفا و بلشصر امگای روایت بابل است، و بلشصر در همان شبی که دست‌نوشته بر دیوار پدیدار شد، کشته می‌شود.

در همان ساعت، انگشتان دستِ انسانی پدیدار شد و در برابر شمعدان، بر گچ دیوارِ قصرِ پادشاه نوشت؛ و پادشاه آن بخش از دست را که می‌نوشت دید. دانیال ۵:۵.

”یک ساعت“ که نوشته بر دیوار ظاهر شد، زمانی را مشخص می‌سازد که قانونِ مکتوبِ یکشنبه «دیوار» جداییِ کلیسا و دولت را در قانونِ یکشنبه از میان برمی‌دارد، و آنگاه بابل به پایان رسید، چنان‌که ایالات متحده نیز به‌عنوان ششمین پادشاهیِ نبوتِ کتابِ مقدس به پایان می‌رسد. ایالات متحده، به‌عنوان ششمین پادشاهی، همان قدرتی است که در اشعیا بیست‌وسه، هنگامی که فاحشه‌ی صور به فراموشی سپرده می‌شود، به مدت هفتاد سال نمادین سلطنت می‌کند. آن پادشاهی یا پادشاهی که اشعیا به آن اشاره می‌کند، همان ایام هفتاد سال است، و پادشاهی‌ای که در نبوت کتابِ مقدس هفتاد سال سلطنت کرد، بابل بود. سقوطِ بابل بیلشصر نمودارِ سقوطِ ایالات متحده است، در قانونِ یکشنبه، جایی که نوشته بر دیوار با سخن گفتن همچون اژدها در مکاشفه سیزده هم‌راستا می‌شود.

در مکاشفه هجده، داوری بر بابل از قانونِ یکشنبه در آیه چهار آغاز می‌شود، آنگاه که صدای دوم اعلام می‌دارد که داوری او در یک ساعت و نیز در یک روز فرامی‌رسد.

اور میں نے آسمان سے ایک اور آواز سنی جو کہہ رہی تھی، اے میرے لوگو، اس میں سے نکل آؤ، تاکہ تم اس کے گناہوں میں شریک نہ ہو، اور اس کی آفتوں میں سے کچھ تم پر نہ آئے۔ کیونکہ اس کے گناہ آسمان تک پہنچ گئے ہیں، اور خدا کو اس کی بدکاریاں یاد آ گئی ہیں۔ جیسا اس نے بدلہ دیا ہے ویسا ہی تم بھی اسے دو، بلکہ اس کے کاموں کے مطابق اسے دگنا دو؛ جس پیالے میں اس نے بھر کر پلایا ہے، اسی میں اس کے لیے دگنا بھر دو۔ جس قدر اس نے اپنے آپ کو سرفراز کیا اور عیش و عشرت میں زندگی گزاری، اسی قدر اسے عذاب اور ماتم دو؛ کیونکہ وہ اپنے دل میں کہتی ہے، میں ملکہ بن کر بیٹھی ہوں، اور بیوہ نہیں، اور برگز ماتم نہ دیکھوں گی۔ اس لیے اس کی آفتیں ایک ہی دن میں آ پڑیں گی: موت، اور ماتم، اور قحط؛ اور وہ آگ میں بالکل جلائی جائے گی، کیونکہ زور آور ہے وہ خداوند خدا جو اس کا انصاف کرتا ہے۔ اور زمین کے بادشاہ، جنہوں نے اس کے ساتھ حرام کاری کی اور عیش و عشرت میں زندگی گزاری، جب اس کے جلنے کا دھواں دیکھیں گے تو اس پر روئیں گے اور نوحہ کریں گے، اور اس کے عذاب کے خوف سے دور کھڑے ہو کر کہیں گے، ہائے! ہائے! اے بابل، وہ بڑا شہر، وہ زور آور شہر! کیونکہ ایک ہی گھڑی میں تجھ پر عدالت آ پہنچی۔ مکاشفہ 18:4-10۔

بدیہی است کہ داوری تدریجی بر بابل از قانونِ یکشنبه در آیه چهار آغاز می‌شود، هنگامی که گله دیگر خدا از بابل فراخوانده می‌شود تا از آن بیرون آید. یوحنا زمان داوری او را هم «روز» و هم «ساعت» معرفی می‌کند، و بدین‌سان تأیید می‌نماید که نمادهای زمانی باید به‌گونه‌ای نمادین فهمیده شوند.

پسح می‌بایست در ماه نخست نگاه داشته شود، و پسح با صلیب مطابقت دارد، و آن نیز به نوبه خود با قانونِ یکشنبه مطابقت دارد.

यह; होगा आरम्भ का महीनो लयि तुम्हारे महीना यह, कहा से हारून और मूसा में देश मसिर ने यहोवा और वे दनि दसवे के महीने इस क, कहो से मण्डली सारी की इस्राएल ठहरेगा। महीना पहला का वर्ष लयि तुम्हारे लयि के मेम्ने उस घराना कोई यद और ले। मेम्ना एक-एक घर परत, अनुसार के घरानो के पतिरो अपने-अपने; ले उसे अनुसार के संख्या की प्राणयिों, हो नकिट के घर उसके जो, पड़ोसी उसका और वह तो, हो छोटा बहुत, हो नषिकलंक मेम्ना तुम्हारा करे। हसिब का मेम्ने उस अनुसार के सामर्थ्य की खाने अपनी मनुष्य परतयेक तक दनि चौदहवे के महीने उसी उसे तुम और लेना। से में बकरयिों या भेड़ों उसे तुम; हो नर का वर्ष एक वह । 12:1-6नरिगमन करे। वध उसको समय के सन्ध्या सभा सारी की मण्डली की इस्राएल तब; छोड़ना रख

پسح، آغاز فصل پنطیکاست بود؛ از این رو، نمونه پنطیکاست است، و پنطیکاست نیز به نوبه خود با قانون یکشنبه منطبق می‌گردد. خیمه در روز نخست ماه نخست برپا شد، و بدین سان نمونه برپا شدن کلیسای ظافر به مثابه علمی در هنگام قانون یکشنبه است. «ساعت»، «روز»، «ماه» و «سال» مصیبت دوم، قانون یکشنبه را شناسایی می‌کند، و «حکم بر حکم»، هر یک از این تعبیرات زمانی، هرگاه زمینه موافق باشد، با قانون یکشنبه انطباق می‌یابد. در هنگام قانون یکشنبه، دوره دوم آزار پاپی آغاز می‌شود؛ دوره نخست همان ۱,۲۶۰ سال بود که موجب شد شهدای آن دوره در مهر پنجم با این پرسش «تا به کی» نزد خداوند فریاد برآورند، تا آن‌گاه که قدرت پاپی داوری شود. در دومین حمام خون پاپی، عیسی قوم خود را آگاه ساخته است که هنگام آزار، نگران آنچه خواهند گفت، نباشند.

لیکن جب وہ تمہیں لے جائیں اور حوالے کر دیں تو پہلے سے اس کی فکر نہ کرنا کہ تم کیا کہو گے، اور نہ پہلے سے سوچ رکھنا؛ بلکہ جو کچھ تمہیں اُس گھڑی عطا کیا جائے، وہی کہو؛ کیونکہ بولنے والے تم نہیں ہو، بلکہ روح القدس ہے۔ مرقس 13:11

در وایل نخست، آدمیان به مدت یکصد و پنجاه سال عذاب کشیدند. آن سال‌ها در ۲۷ ژوئیه ۱۲۹۹ آغاز شد و در ۲۷ ژوئیه ۱۴۴۹ پایان یافت؛ آنگاه که آن چهار فرشته، آن چهار باد را که برای ساعت و روز و ماه و سال مهیا شده بودند، رها کردند تا ثلثی از مردم را بکشند. دوره عذاب، نمایانگر دوره برپا شدن تصویر وحش در ایالات متحده است. آن دوره، همان پانزده روزی است که در لاویان بیست و سه از عید شیپورها تا پنتیکاست بازنمایی شده است. دوره شکل‌گیری تصویر وحش از 9/11 تا قانون یکشنبه امتداد دارد، اما دوره اعلام پیام ندای نیمه‌شب، فراکتالی از شکل‌گیری تصویر وحش از 9/11 تا قانون یکشنبه است.

آغاز و پایان مهر شدن، همچنین الفا و امگای شکل‌گیری صورت وحش است. یک طبقه در حال شکل دادن شخصیتی برای مهر خداست؛ و طبقه دیگر در حال پدید آوردن صورت وحش است. آن دوره در ایالات متحده با همان دوره در جهان منطبق است که از قانون یکشنبه آغاز می‌شود. «ماه» نمادی از عذابی است که برپایی صورت را تحمیل می‌کند؛ از این رو، ماه در قانون یکشنبه، آن‌گونه که در آیه پانزده مکاشفه باب نهم نشان داده شده است، همچنین نمایانگر عذاب اسلامی در طی برپایی صورت وحش در جهان است.

کاربردهای نبوی دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه نبوت وای دوم، و ساعت و روز و ماه و سال آن، نمایانگر قانون یکشنبه و رها شدن اسلام برای ضربه زدن به ایالات متحده است؛ اما باید به نکات دیگر پردازیم.

در دوره اخیر، در حدود شش ماه گذشته، من بر این نکته تأکید کرده‌ام که اسلام سه وای، از نظر نبوی با سه فرشته پیوند دارد. از پیشگویی یعقوب درباره ایام آخر که در آن یهودا «مو»یی است که به «کره‌اللاغ» بسته شده است، تا اینکه مسیح پیش از ورود ظفرمندان خود کره‌اللاغ را رها ساخت، و نیز سایر خطوط گواهی، اسلام وای اول و دوم نمایانگر پیام نبوی‌ای است که پیام‌های فرشته اول و دوم را اقتدار بخشید، و اسلام وای سوم نمایانگر پیام نبوی فرشته سوم است.

تازگی بخشی از کتابی نوشته A. T. Jones مورد ارجاع قرار گرفت، و آن همان حقیقت را شناسایی می‌کند، اما از رهیافتی متفاوت. جونز از دستور زبان و ساختار مکاشفه استفاده می‌کند تا نشان دهد چگونه جدا ساختن سه شیپور وای آخر از پیام‌های سه فرشته ناممکن است. او تأکید می‌کند که فرشته اول را نمی‌توان از فرشته دوم جدا کرد، و فرشته سوم را نیز نمی‌توان از دو فرشته پیشین منفک ساخت. تمرکز جونز بر سه فرشته است، و در حالی که او استدلال خود را درباره رابطه جدایی‌ناپذیر سه فرشته اقامه می‌کند، به همان منطق دقیق ثابت می‌سازد که شیپورهای مکاشفه ۹ را نیز نمی‌توان از سه فرشته مکاشفه ۱۴ جدا کرد. این مقاله را با فصل جونز به پایان خواهیم برد.

فصل یازدهم. پیام فرشته سوم

«پاسخ آن پرسش مهم امروز، "چه باید بکنیم؟"، بر بنیاد هفت شیپور و جایگاه ملت‌های بزرگ امروز، با یقین می‌تواند داده شود؛ زیرا پاسخ، دقیقاً بر همین اساس، به وسیله کلام خدا داده شده است.»

«مور ولیدل چې د اوو ترومپټونو له وروستيو دريو سره، درې واړه افسوسونه نه بېلېدونکې تراو لري. د اوو ترومپټونو په عين منځ کې—د څلورم ترومپټ له پای ته رسېدو وروسته، او د پنځم ترومپټ له پيل کېدو مخکې—داسې ليکل شوي دي: "او ما وکتل، او وا مې وربدل چې يوه فرېښته د آسمان په منځ کې الوتله، او په لوړ اواز يې ويل: افسوس، افسوس، افسوس، د څمکې پر اوسېدونکو، د هغو دريو فرېښتو د ترومپټ د نورو اوازونو له امله چې لا به وغږېږي." مکاشفه 8:13»

«این که سه وای به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر با سه تایی واپسین هفت شیپور، هر یک با یکی، مرتبط‌اند، بی‌هیچ تردیدی از این واقعیت ثابت می‌شود که چون نواختن فرشته پنجم به پایان می‌رسد، نوشته شده است: "یک وای گذشته است؛ و اینک، پس از این، دو وای دیگر می‌آید." مکاشفه 9:12 و چون شیپور ششم به پایان می‌رسد، نوشته شده است: "وای دوم گذشته است؛ و اینک، وای سوم به زودی می‌آید. و فرشته هفتم نواخت." مکاشفه 11:15»

«اکنون، به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر مرتبط با این فرشته که فرارسیدن سه وای را اعلام می‌کند - وای‌هایی که به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر با سه شیپور آخر از هفت شیپور پیوسته‌اند - «فرشته سوم» مکاشفه ۱۴ قرار دارد.»

«برای آن که این نیز بی‌هیچ تردیدی امری یقینی دیده شود، بگذارید از پیام فرشته سوم مکاشفه ۱۴ آغاز کنیم و پیوندهای مستقیم آن را تا سرچشمه آغازینشان به عقب دنبال نماییم.»

نخستین واژگان در گزارش مربوط به «فرشته سوم» چنین است: «و فرشته سوم از پی ایشان آمد.» مکاشفه ۱۴:۹. این نشان می‌دهد که کسانی پیش از آن رفته بودند که فرشته سوم «از پی ایشان آمد.»

«پس آیه پیشین را در نظر بگیرید: "و فرشته‌ای دیگر از پی آمد." این نشان می‌دهد که فرشته‌ای نیز پیش از این فرشته آمده است، که چون این یکی از پی آن می‌آید، آن را "دیگر" می‌سازد.»

«اکنون به آیه ششم بازگردید: "و فرشته‌ای دیگر دیدم." این نیز تصدیق می‌کند که فرشته‌ای پیش از این رفته است، و همین سبب می‌شود که این فرشته، چون در میان آسمان پرواز می‌کند، "دیگری" باشد.»

با بازگشت بیشتر در کتاب مکاشفه، هیچ فرشته‌ای را—جز فرشته شیپور هفتم—نمی‌یابیم تا آنکه به آیه نخست باب دهم می‌رسیم؛ و در آنجا می‌خوانیم: «و فرشته‌ای زورآور دیگر دیدم.» این تعبیر، چنان که پیش‌تر نیز، تصدیق می‌کند که پیش از این فرشته، فرشته‌ای هست که چون این یکی ظاهر می‌شود، سبب می‌گردد از او به عنوان «دیگری» سخن گفته شود.

«پی‌گرفته و باز هم به عقب، هیچ فرشته‌ای نمی‌یابیم، جز فرشتگان شیپور ششم و پنجم، تا آن که به آخرین آیه باب هشتم می‌رسیم؛ و در آنجا به اصل نخستین می‌رسیم، زیرا می‌خوانیم: «و نگریستم و فرشته‌ای را شنیدم»—نه «فرشته‌ای دیگر»، بلکه در وهله نخست، «فرشته‌ای».

«از این‌رو، از مکاشفه ۸:۱۳ آغاز می‌شود رشته‌ای گسست‌ناپذیر از فرشتگان که با واژه «دیگری» به یکدیگر پیوسته‌اند، و این پیوستگی بی‌وقفه تا فرشته سوم مکاشفه ۱۴، همراه با پیام او، ادامه می‌یابد. بدین‌سان:»

«و نگرستم و فرشته‌ای را شنیدم.» مکاشفه ۸:۱۳

«و فرشته دیدم دیگر زورآور.» مکاشفه 10:1.

«و فرشته‌ای دیگر دیدم.» مکاشفه ۱۴:۶

«و فرشته‌ای دیگر از پی او آمد.» آیه ۸.

«و فرشته سوم در پی آنان آمد.» آیه ۹.

«شاید نمودار ساده زیر در روشن ساختن پیوند میان آن فرشته‌ای که سه وای مربوط به سه شیپور آخر از هفت شیپور را اعلام می‌کند، و پیام فرشته سوم مکاشفه ۱۴ یاری‌رسان باشد:»

«شیپور اول، مکاشفه ۸:۷»

«شیپور دوم، مکاشفه ۸:۸»

«شیپور سوم، مکاشفه ۸:۱۰»

«شیپور چهارم» مکاشفه ۸:۱۲ «یک فرشته» — وای، وای، وای. مکاشفه ۸:۱۳.

«شیپور پنجم، مکاشفه ۹:۱-۱۱ / نخستین وای»

«شیپور ششم، مکاشفه ۹:۱۳ تا ۱۱:۱۳، وای دوم: «فرشته‌ای زورآور دیگر.» مکاشفه ۱۰:۱»

«شیپور هفتم، مکاشفه ۱۱:۱۳-۱۹، وای سوم، «فرشته‌ای دیگر.» مکاشفه ۱۴:۶»

«پس از او دیگری آمد.» مکاشفه ۱۴:۶

«فرشته سوم از پی ایشان آمد.» مکاشفه ۱۴:۹.

اکنون می‌توان دلالت همه این امور را با تأملی کامل‌تر در این که «پیام فرشته سوم» در ذات خود واقعاً چیست، روشن‌تر دید: در ظاهر عبارت، «فرشته سوم» آشکارا به سومین سلسله‌ای از سه فرشته اشاره دارد. چنان‌که پیش‌تر بیان شد، این سلسله سه فرشته، که هر یک حامل پیامی هستند، در باب چهاردهم مکاشفه، آیات ۶-۱۲، یافت می‌شود. پیام‌های این سه فرشته در فرشته سوم به هم درمی‌آمیزند و به اوج می‌رسند؛ و این پیام از صدا افتادن باز نمی‌ایستد تا آن‌گاه که محصول زمین برسد و برای آمدن خداوند به منظور درو کردن آن مهیا گردد.

پیام خود فرشته سوم، چنان‌که در سخنان فرشته سوم اعلام شده است، بدین قرار است: «و فرشته سوم از پی ایشان آمد و به آواز بلند گفت: اگر کسی وحش و صورت او را بپرستد و نشان او را بر پیشانی خود یا بر دست خود بگیرد، همان نیز از شراب غضب خدا خواهد نوشید که بی‌امیختگی در جام خشم او ریخته شده است؛ و او در حضور فرشتگان مقدس و در حضور بره، به آتش و گوگرد عذاب خواهد شد؛ و دود عذاب ایشان تا ابدالآباد صعود می‌کند؛ و آنان که وحش و صورت او را می‌پرستند، و هر که نشان نام او را می‌گیرد، شب و روز آرامی ندارند. این است صبر مقدسان: اینان‌اند که احکام خدا و ایمان عیسی را نگاه می‌دارند.»

«این است پیام فرشته سوم، آن‌گونه که به‌تنهایی و جدا از دو پیام دیگر قرار دارد. اما در واقع، نمی‌توان آن را جداگانه تلقی کرد؛ و نمی‌توان آن را چنان مستقل ساخت که گویی خود به‌تنهایی پیامی واحد و منفرد برای جهان است؛ زیرا نخستین کلمات مربوط به آن چنین است: «فرشته سوم از پی آن دو آمد.» پس، به‌موجب همان نخستین کلمات خود این پیام، ما نه فقط به یکی، بلکه به آن دو پیامی که پیش از آن آمده‌اند ارجاع داده می‌شویم. و واژه یونانی‌ای که «از پی آمد» ترجمه

شده است، معنایش نه پیروی جداگانه است، و نه صرفاً پیروی، بلکه «همراه کسی پیروی کردن» است؛ چنان‌که سربازان از فرمانده خود پیروی می‌کنند، یا خادمان از سرور خویش؛ بنابراین، «در امری از کسی پیروی کردن؛ خویشتن را به هدایت کسی سپردن» و هنگامی که درباره امور به کار می‌رود، دلالت دارد بر پیروی کردن به مثابه نتیجه؛ پیروی کردن «به عنوان پیامد چیزی که پیش‌تر رخ داده است.» پس، از حیث اشخاص، فرشته سوم همراه با آن دو که پیش از او آمده‌اند پیروی می‌کند؛ و پیام او، به عنوان یک امر، در مقام نتیجه یا پیامد آنچه پیش‌تر گذشته است، در پی می‌آید.»

"لیکن درباره دومی نیز چنین مکتوب است: «و فرشته‌ای دیگر از پی آمد.» همان‌گونه که فرشته سوم در پی فرشته دوم می‌آید، فرشته دوم نیز در پی فرشته اول می‌آید. و درباره فرشته اول چنین مکتوب است: «و فرشته‌ای دیگر را دیدم که در میان آسمان پرواز می‌کرد، و غیره. این، نخستین این سلسله سه‌گانه است. فرشته‌ای دیگر از پی او می‌آید؛ و فرشته سوم در پی آن دو می‌آید. در ترتیب برخاستن ایشان، توالی‌ای هست؛ اما هنگامی که هر سه به نوبت برخاسته باشند، آنگاه با هم همچون یک تن به پیش می‌روند. فرشته اول پیام خود را طنین‌انداز می‌کند؛ فرشته دوم در پی می‌آید و به فرشته اول می‌پیوندد؛ فرشته سوم نیز از پی آن دو می‌آید و به ایشان می‌پیوندد؛ به گونه‌ای که چون آن سه به هم پیوستند و در قدرت متحد خویش با هم پیش می‌روند، پیامی نیرومند، سه‌گانه، و بلندآواز پدید می‌آورند. برای کامل ساختن پیام فرشته سوم، همه لازم‌اند؛ و پیام فرشته سوم را نمی‌توان به راستی اعلام کرد مگر آنکه همه آنها اعلام شوند."

«پس، پیام سه‌گانه در بخش‌های مربوط به خود چیست؟—اینک بخش نخست: "و فرشته‌ای دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز می‌کند، و انجیل جاودانی را دارد تا آن را به ساکنان زمین، و به هر امت و قبیله و زبان و قوم، بشارت دهد، و به آواز بلند می‌گوید: از خدا بترسید و او را جلال دهید؛ زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است؛ و او را که آسمان و زمین و دریا و چشمه‌های آب را آفرید، پرستش کنید."

«اینک فرشته دوم: "و فرشته‌ای دیگر از پی او آمد و گفت: بابل عظیم سقوط کرد، سقوط کرد؛ آن شهر بزرگ که همه امت‌ها را از شراب خشم زناکاری خود نوشانید."

यदि बोला से शब्द ऊँचे क आया हुए कहते यह पीछे-पीछे उनके स्वर्गदूत तीसरा और: 'है तीसरा यह और' वह तो, ले पर हाथ अपने या, पर माथे अपने छाप उसकी और, करे उपासना की मूरत उसकी और पशु उस कोई और; है गई उँडेली मलावट बनि में कटोरे के रोष उसके जो, पएगा से में दाखमधु की क्रोध के परमेश्वर भी उनकी और; जाएगा कया पीड़ति से गन्धक और आग साम्हने के मेम्ने और साम्हने के स्वर्गदूतो पवतिर वह कोई जो और, है करते उपासना की मूरत उसकी और पशु उस जो और; रहेगा उठता युगानुयुग धुआँ का पीड़ा जो है वे यहाँ: है धीरज का लोगो पवतिर यहाँ को। रात न, है चैन को दिन न उन्हें, है लेता छाप की नाम उसके "है। मानते को वशिवास के यीशु और आज्ञाओं की परमेश्वर

«نگاهی به عبارت‌بندی هر یک از این پیام‌ها آشکار می‌سازد که در واژه یونانی «followed» این اندیشه نهفته است که معنای آن «در پی آمدن به عنوان پیامد» است. فرشته اول حامل انجیل جاودانی است تا آن را به هر مخلوقی موعظه کند، و همگان را فرا می‌خواند که از خدا بترسند و او را تمجید کنند و او را عبادت نمایند؛ زیرا ساعت داوری او فرارسیده است. رد شدن این پیام وضعیتی را پدید می‌آورد که به عنوان پیامد چنین ردی، در سخنان فرشته دوم، که در پی می‌آید، توصیف شده است. و به سبب رد شدن پیام اول؛ و به سبب پیامدهای آن رد، چنان‌که در پیام فرشته دوم اعلام شده است؛ وضعیتی پدید می‌آید که به عنوان پیامدی دیگر، اقتضا می‌کند فرشته سوم در پی آن دو بیاید و با آواز بلند هشدار هولناک خود را بر ضد شرارت‌های دهشتناکی اعلام کند که به صورت پیامد دوگانه رد شدن پیام اول پدید آمده‌اند.»

«و نیز اینکه صدا و کار فرشته سوم با صدا و کار فرشته اول درهم می‌آمیزد، از سخنان پایانی او آشکار است: «در اینجاست صبر مقدسین؛ آنانی که احکام خدا و ایمان عیسی را نگاه می‌دارند؛» زیرا این همواره مقصود موعظه انجیل جاودانی است. این، جوهر ترسیدن از خدا و جلال دادن به او، و پرستش «او که آسمان و زمین و دریا و چشمه‌های آب را آفرید» است. نگاه داشتن احکام خدا و ایمان عیسی، تنها چیزی است که هر نفسی را قادر خواهد ساخت در ساعت داوری او، که فرشته اول اعلام می‌کند «فرا رسیده است»، استوار بایستد.»

«بلافاصله پس از سخنان پایانی فرشته سوم، این عبارت آمده است: «شنیدم آوازی از آسمان که به من می‌گفت: بنویس، خوشا به حال مردگانی که از این پس در خداوند می‌میرند» —از این زمان به بعد. مکاشفه ۱۴:۱۳. و بلافاصله پس از این، این کلمات می‌آید: «و نگرستم، و اینک ابری سفید، و بر ابر کسی نشسته بود مانند پسر انسان، که بر سر خود تاجی زرین داشت و در دست خود داسی تیز. و فرشته‌ای دیگر از هیکل بیرون آمد و با آواز بلند به آن که بر ابر نشسته بود ندا درداد: داس خود را به کار انداز و درو کن، زیرا وقت درو کردن تو رسیده است؛ زیرا محصول زمین رسیده است. و آن که بر ابر نشسته بود داس خود را بر زمین افکند؛ و زمین درویده شد.» مکاشفه ۱۴:۱۴-۱۶. و «درو، پایان جهان است.» متی ۱۳:۳۹.

«باز هم: فرشته سوم به‌طور خاص همه مردم را از پرستش وحش و تصویر او، هرچه که این‌ها باشند، برحذر می‌دارد؛ و از مکاشفه ۱۹:۱۱-۲۱ درمی‌یابیم که وحش و تصویر او هنگامی که خداوند در ابرهای آسمان می‌آید، «زنده» هستند، و «هر دو» به درخشش ظهور او هلاک می‌گردند.»

«این حقایق نشان می‌دهند که پیام فرشته سوم، پیامی نیرومند، سه‌گانه و با آوایی بلند است که اندکی پیش از آمدن دوباره خداوند، به هر امت و قبیله و زبان و قوم می‌رسد؛ و محصول زمین را به کمال می‌رساند و قومی آماده برای خداوند مهیا می‌سازد، همان‌گونه که پیام یحیی تعمیددهنده راه را برای نخستین آمدن خداوند آماده ساخت. پس این همان آخرین، پایانی‌ترین، پیام خدا به جهان است.»

«و اکنون، با داشتن چنین درکی از اینکه پیام فرشته سوم فی‌نفسه چیست، رابطه آن پیام با ملت‌های بزرگ امروز را می‌توان از راه بررسی زمان پیام فرشته سوم بهتر تشخیص داد.» A. T. Jones, The Great Nations of Today, 114